

# از نظریه مالتوس تا آزادی روابط جنسی

خلاصه مقاله

بی آن که هدف تشویق تولید مثل بی ضابطه باشد، باید با سوءظن به اهداف آن گروه از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی که کنترل جمعیت را برای کشورهای جهان سوم امری ضروری و حیاتی می‌دانند تکریم کرد. در جهانی که ۶ درصد جمعیت آن ۴۰ درصد منابع غذایی را در اختیار دارند، بهانه گرسنه ماندن انسان‌ها نمی‌تواند توجیهی قابل قبول برای پذیرش نظریات تورسین‌های غربی در زمینه کنترل جمعیت باشد.

بشر، جامعه خود را در کنترل این امر دخیل و محق دانسته است زیرا ورود افراد جدید- نوزادان- است که می‌تواند جای خالی سالخورده‌گان و درگذشتگان را پر کند و ادامه حیات یک جامعه را ممکن سازد. بر این اساس جامعه به خود حق داده است که در مورد تولید افراد- جنین- و سرنوشت آنها دخالت و اظهار نظر کند و چون سبب ادامه نسل، ارضای غریزه جنسی است لذا تمام جوامع بشری در موضوع روابط جنسی مقرراتی را تدوین کرده‌اند. جوامعی هم که ارتباط آزاد جنسی را مجاز می‌دانند تصور می‌کنند از لحاظ تعداد افراد جامعه به حدی رسیده‌اند که نیاز به ازدیاد جمعیت

و برای ارضای غریزه جنسی- که مشروع و مجاز آن در داخل خانواده است- طرق دیگری را تجویز کرد و مباح شناخت.

**سئوال معنی‌دار یک زیست‌شناس**  
در دوران‌های بسیار قدیم، و در برخی از جوامع ابتدائی و قبیله‌ای سالخورده‌گان را که نیرویی نداشتند و از لحاظ زندگی مادی سربار جامعه تلقی می‌شدند به بالای کوه برده و از آنجا به پائین پرت می‌کردند تا کشته شوند. اما در همان قبایل سقط جنین مجاز نبود زیرا نیروی تازه نفس را در معرض نابودی قرار می‌داد، اما امروز

سئوال مطرح شد که چرا و چگونه یک لرد انگلیسی به خود اجازه می‌دهد در ایران دروازه‌بان عالم هستی شود و تعداد موجودات انسانی را تعیین کند. حال و وضع سایر دولتها و ملتهای جهان سوم نیز بر همین قرار است و لذا استمرار روحیه متابعت از نظریه پروازی‌های

نوشته: دکتر نور علی تابنده

اواخر سال ۱۳۵۰ یا اوایل سال ۱۳۵۱ بود که یکی از مأموران انگلیسی که نام او به خاطر من نیست ولی به یاد دارم که سرجناب نهضت تنظیم خانواده بود و در تمامی نقاط دنیا این نظریه را تبلیغ می‌کرد، و برای تأمین و گسترش نظریات



ندارند و اینگونه جوامع هستند که قیاس به نفس کرده، آنچه را که خود مناسب تشخیص می‌دهند به عنوان نسخه‌ای همگانی برای تمامی جوامع تجویز می‌کنند.

دلیلی که گردانندگان جوامع به اصطلاح پیشرفته برای تبلیغ کنترل جمعیت مورد استفاده قرار می‌دهند و همانها را در جهان سوم نیز تبلیغ و تبیین می‌کنند مسأله کمبود و محدودیت تولید غذا و اخیراً نیز فقدان وسایل کافی برای رعایت بهداشت و زندگی عادی بالنسبه مرفه است. منبای چنین توهمی نظریه مالتوس است که معتقد بود جمعیت جهان با تصاعد هندسی افزایش می‌یابد و حال آنکه تولید موادغذائی با تصاعد عددی اضافه می‌شود. اما این هر دو

سالخورده‌گان را با بهترین وسایل بهداشتی نگه می‌دارند ولی سقط جنین را (رسماً یا عملاً) مجاز می‌دانند. باید دانست هر دو روش نادرست است و ما باید در این مورد با تامل و اندیشه به مسأله نگاه کنیم و آن را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهیم.

در این زمینه یکی از زیست‌شناسان بعد از انتقاد از سقط جنین و کنترل مولد می‌گوید: «آیا سزاوار است آنهایی را که به دنیا می‌آیند محدود سازیم یا آنها را که آماده رفتن هستند؟ آنهایی را که حیات به خود می‌خواند یا آنهایی را که طرد می‌کند؟»

مسأله روابط جنسی نیز گریچه ظاهراً امری کاملاً شخصی و انفرادی است ولی در تمام دوران حیات مدنی

غرب که از وابستگی دولتیان سرچشمه می‌گرفت و خواه و ناخواه و کم و بیش روی ملتها هم اثر می‌گذاشت اخلاف آن لرد را شجاعت داد تا در شهریور امسال (سپتامبر ۹۴) کنگره‌ای تحت عنوان توسعه و جمعیت در قاهره تشکیل دهند و علیرغم تکذیب‌های مکرر، مشروعیت سقط جنین و آزادی روابط جنسی و حتی آزادی هم‌جنس‌بازی را نیز بخواهند. بدیهی است دامنه نتایج چنین کنفرانس‌هایی به آنجا می‌کشد که سقط جنین مجاز شناخته شود زیرا برای اطاعت از اوامر لرد مذکور ناچار باید ناآمدگان را از بین برد و احیاناً برای احتراز از ازدیاد فرزند، اساس خانواده را که منشاء تولید فرزند (گاهی ناخواسته) می‌باشد مورد تردید و عدم قبول قرار داد

خود بسیاری از کشورها را هم زیرا با گذشته بود به ایران آمد. مسافرت او به ایران با استقبال فراوان مقامات دولتی رویه‌رو شد زیرا اولیای امور غربزده وقت ایران که هر سوغات آن دیار را مانده بهشتی و وحی منزل می‌دانستند از سفر او به ایران بسیار به وجد آمده بودند. او در همین مسافرت از برنامه‌های انجام شده در ایران اظهار رضایت کرده و گفته بود فعلاً خانواده‌های ایران سه یا چهار فرزند بیشتر ندارند و به نظر من همین حد برای ایران کافی است.

این اظهار رضایت با شور و شعف فراوان مسئولان مواجه شد و آنرا به ادامه خوش خدمتی تشویق کرد ولی از نظر ملت ایران این امر دخالت بیجا در امور ایران تلقی شد، و برای عموم این

# جهان برای پانصد برابر جمعیت کنونی خود غذا دارد

نظریه عملاً رد شده است، زیرا از طرفی جمعیت جهان به آن اندازه افزایش نیافته و از طرف دیگر تولید مواد غذایی با توجه به پیشرفتهای صنعتی و کشاورزی بیش از آن مقداری است که مالتوس پیش‌بینی کرده بود.

همان کشورهایی که دلسوزی به حال بشر را بهانه قرار داده و به دولت‌ها توصیه می‌کنند با تصویب قوانین لازم تولید نسل را مورد کنترل قرار دهند در بسیاری از سال‌ها محصولات کشاورزی خود را به دریا می‌ریزند (در حالی که مردم بسیاری در نقاط مختلف جهان به سبب گرسنگی و قحطی تلف می‌شوند) تا وفور کالا موجب سقوط قیمت‌ها نشود. یا گاهی کشاورزان را از تولید محصولی باز می‌دارند و حتی معادل سود احتمالی آن‌انرا می‌پردازند تا اقدام به کشت نکنند. و یا در شهری چون نیویورک پس‌مانده غذاهایی که هر روزه دور ریخته می‌شود می‌تواند یک میلیون گرسنه را سیر کند. بنابراین تبلیغات این مله‌یان نجات بشر را نمی‌توان صد درصد خیرخواهانه دانست و لذا باید سایر علل و جهات مورد نظر آنها را جستجو کرد تا فهمیده شود در پس این عبارات ظاهر‌الصلاح که به دل‌ها می‌نشیند و با محسوسات منطبق است چه نیاتی نهفته است. با ذکر مثالی مطلب روشن‌تر می‌شود: در گزارشهای رسانه‌های جمعی، بارها وضع ناهنجار آوارگان فلسطینی را دیده‌ایم و یا خوانده‌ایم. وضع مالی، بهداشتی و فرهنگی آوارگان بسیار تأثرآور و ناراحت‌کننده بوده و هست. آنها واقعاً در زمینه اداره امور خانواده و پرورش

فرزندانشان به ستوه آمده‌اند. اطفال از سن شش یا هفت سالگی در اختیار نهضت قرار می‌گرفتند تا سواد بیاموزند و در همان حال عملیات چریکی و جنگی مناسب با سن خویش را فرا بگیرند. حال در چنین شرایطی اگر دولت اسرائیل که پیش از هر دولت دیگر از این نهضت چریکی و حملات مداوم گروه‌های مختلف و متعدد فلسطینی زیان می‌بیند و هر چه تعداد آوارگان و شکم‌های گرسنه آنان زیادت‌تر شود تعداد دشمنانش نیز افزایش می‌یابد بوق و کرنا برداشته و در اردوی آوارگان (و چه بسا از حلقوم یکی از همان آوارگان احیاناً با حسن نیت) فریاد برآورد که ای مردم آواره! شما در بزرگ کردن یک فرزند در مانده‌اید و نمی‌توانید نان او را بدهید خانه برای سکونت پیدا نمی‌کنید- مدرسه ندارید- سرنوشت فرزند شما یا مرگ به سبب عدم بهداشت است یا کشته شدن! پس چرا مرتباً به نسل خودتان می‌افزاید، تولید نسل را کنترل کنید و سعی کنید تا بیش از یک یا دو فرزند نداشته باشید! اگر هر فرد یا خانواده صرفاً به خود فکر کند و آسایش موقت خود را در نظر بگیرد و آتیه فرزندان خویش و ملت را از نظر دورداد این توصیه را می‌پذیرد و اگر پذیرفت آیا انقیاد دائمی ملت را به دنبال نخواهد داشت؟ و آیا با این انقیاد همان مختصر آرامش و رفاهی را که دارد از دست نخواهد داد؟ قبول چنین توصیه‌ای از جانب کشورهایی نظیر هندوستان و نیز کشورهای شمال و جنوب افریقا و... که بواسطه قرن‌ها مستعمره بودن در وضع ناهنجاری قرار دارند، در واقع به منزله تسلیم به وضع حاضر و رسمیت دادن به استعمار جدید است زیرا در چنین حالتی این کشورها خود را با شرایط ناگوار فعلی تطبیق می‌دهند، بی‌آن که بکوشند شرایط غیر عادلانه حاکم بر جهان امروز را تغییر دهند.

## کاسترونه و کتاب سیاه گرسنگی

در سال ۱۹۵۶ گروهی از متخصصان آمریکایی تحت سرپرستی جیمس بونر عضو انستیتو تکنولوژی کالیفرنیا پس از بررسی و نقد نظریه مالتوس به این نتیجه رسیدند که «اگر تمامی منابع نباتی جهان را مورد استفاده قرار دهیم می‌توانیم جمعیتی پانصد برابر

جمعیت کنونی زمین را غذا دهیم...»  
دو خوزه دو کاسترونه که مدتها رئیس سازمان خواربار و کشاورزی-فانو- وابسته به سازمان ملل بود از عدم همکاری دولتهای بزرگ نالیده و استعفانامه مفصلی نوشت که مستقلاً به عنوان «کتاب سیاه گرسنگی» چاپ و منتشر شده است. او در جای دیگری نوشته است ده کشور متمول جهان با داشتن ۱۶ درصد جمعیت جهان بیش از ۷۰ درصد ثروتها را در اختیار دارند حال آنکه ۱۵ کشور فقیر با ۵۰ درصد جمعیت جهان ده درصد عایدات را می‌برند. در کشورهای گروه اول حد متوسط عمر ۶۵ سال ولی در کشورهای گروه دوم ۲۷ سال است. مردم آمریکا شش درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما ۴۰ درصد مواد غذایی را در اختیار دارند...!!

گزارش‌های همان سازمان نشاندهنده این واقعیت است که اگر در ایران کشاورزی مورد تشویق و حمایت قرار گیرد و اگر زمینها و آب‌هایی را که به هرز می‌رود در اختیار کشاورزی بگذاریم محصول به دست آمده می‌تواند بیش از ۲۵۰ میلیون نفر را تغذیه کند. اگر دولت غاصب سرزمین‌های فلسطین را در نظر بگیریم که در صحاری مغموبه، شهرک‌های مسکونی و باغ مرکبات ایجاد می‌کند پس ایران هم می‌تواند در کورپولوت مسکن احداث کند (کم‌اینکه کم و بیش احداث شده است). چند سال قبل که سمیناری (یا کنگره یا کنفرانس یا...) از مدیران کشاورزی استانها در مشهد تشکیل شد یکی از مدیران کل کشاورزی گفت «اگر به کشاورزی ایران توجه شود می‌تواند دویست میلیون را غذا بدهد...»

اگر دهانهای گرسنه، سیل بیکاران و خانواده‌های تنگدست و فقیر زیادت‌تر شوند نگرانی استعمار و استثمارگر زیادت‌تر می‌شود زیرا پشه چو پرشد بزند پیل را!! اینجا پیل‌ها هستند که از کثرت پشه‌ها مضطرب و نگران می‌شوند و توصیه می‌کنند که تولید نسل را کنترل کنید! متأسفانه عده‌ای از مقامات کشورهای جهان سوم نیز به دلیل غریزدگی و اعتقاد به نظریات دنیای

تمدن، تحت تأثیر این تبلیغات قرار می‌گیرند و به خاطر اینکه خود را در داخله پیل تصور کرده و توده ناراضی را پشه می‌دانند می‌کوشند ضعف مدیریت خود را با اجرای توصیه‌های تئورسین‌های غربی جبران کنند. دهانهای گرسنه‌ای که در کنار اختلاسها و اسرافهای فراوان اولیای امور ناله می‌کنند هر چه کمتر باشند بهتر است زیرا «طییدن‌های دل ناله شد آهسته آهسته- چو از حد بگذرد این ناله‌ها، فریاد می‌گردد».

ما به تناقض‌هایی که در کارها می‌بینیم توجه نداریم. از یک طرف در قبایله‌های ازدواج عباراتی آمده که همان عبارات را در موعظ خطبه عقد می‌خوانند: «تا کحوا تا سلوا تکثروا. فانی آب‌های بکم الامم یوم القیامه و لو بالسقطه» از طرف دیگر فرزند چهارم خانواده را از همه تسهیلات و کمک‌ها محروم می‌کنیم و حتی به قراری که در روزنامه‌ها نوشته بودند از تاریخ معینی که دقیقاً به خاطر ندارم این تسهیلات را در مورد چهارمین فرزند قبلی نیز حذف خواهند کرد: یعنی قانون به ماسبق عطف شده و حقوق مکتسبه فرزند چهارم پایمال می‌گردد.

اما مساله اساسی و مورد نظر در این مقاله استناد از دخالت دولتها و سازمانهای بین‌المللی در کار مردم جهان است که به قول ژرژ دبه حقوقدان و فیلسوف معروف فرانسه «می‌خواهند اختیارات خود را حتی تا بستر زوجین توسعه دهند». این موضوع یعنی کنترل جمعیت و تنظیم خانواده صرفاً باید در اختیار زوجین باشد و هرگاه حکومت مصلحت می‌داند می‌تواند با تبلیغات لازم آنانرا آگاه و روشن کند. قاعده فقهی «عزل عن الحرة حرام» تا حدی این موضوع را در داخل خانواده مشخص می‌سازد. منظور این نوشته تشویق به ازدیاد جمعیت و داشتن فرزندان زیاد نیست، بلکه منظور انتقاد از این تحمیل است که سالب آزادی است و یک نوع خودکشی اجتماعی را به جامعه و خانواده تحمیل می‌کند.